

مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه.

نوشته روبرکاری یُو*

ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

چکیده

نوع رویکردی که مداخله (و اقدام‌های) روان‌شناختی - اجتماعی زود هنگام - زودرس از آن حمایت می‌کند باید به‌روشنی شناسایی شود. در اینجا، صحبت از پیشگیری از جرم نیست: ارباب‌کفتری، کاهش وخامت و تعداد جرایم ارتكابی از صورت‌ها (و انواع) دیگر پیشگیری از پدیده مجرمانه ناشی می‌شود. آنچه در پیشگیری زودرس از رفتارهای مجرمانه مطرح است، بین پیشگیری اجتماعی نخستین (بهبود عمومی رفاه اجتماعی) و پیشگیری اجتماعی

*. Robert Cario, l'intervention psychosociale précoce dans la prévention des comportements criminels, 21 pages.

** روبرکاری یُو، استاد دانشگاه پُو Pau (فرانسه)، سخنرانی خود در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی را براساس متن حاضر در تاریخ شنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۰ ایراد کرد. گفتنی است که در ادبیات جرم‌شناختی امریکایی برای پیشگیری زودرس یا «پیشگیری زود هنگام از بزهکاری» (Early prevention of...) معادل «پیشگیری رشدی» یا «پیشگیری رشد مدار» (Developmental prevention of...) - یعنی مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال و نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری به منظور پیشگیری از مُزمن و تکراری شدن بزهکاری در آینده (در دوران بزرگسالی) - را نیز بکار برده‌اند. م.

سومین (حل و فصل اختلاف و تعارض شکل گرفته با ماهیت اصولاً غیر کیفری - پیشگیری از تکرار تعارض و جرم) قرار می‌گیرد. برنامه‌های مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در واقع باید منجر به جلوگیری و متوقف کردن عوامل خطری بشود که صفار در معرض آنها هستند، یعنی، عوامل خطری که احتمال پذیرش و تقلید رفتار مجرمانه پایدار توسط اطفال را در آینده افزایش می‌دهند. پژوهشهای معاصر، در چارچوب یک راهبرد (استراتژی) مثبت‌تر، مداخله‌های روان‌شناختی - اجتماعی زودرس را به سمت تقویت و تحکیم عوامل حمایتی جهت و سوق می‌دهند که به کاهش این احتمال کمک کنند.



**L'intervention psychosociale précoce dans la prévention des
comportements criminels par Robert Cario**
Traduit en persan par Ali-Hossein NADJAFI

Résumé

L'angle d'approche que privilégie l'intervention psychosociale précoce doit être clairement identifié. Il ne s'agit pas de prévenir le crime: l'intimidation pénale, la réduction de la gravité et du nombre des infractions commises procèdent d'autres registres de prévention du phénomène criminel. Ce dont il s'agit se situe entre prévention sociale primaire (amélioration générale du bien être social) et prévention sociale tertiaire (résolution d'un conflit cristallisé, de nature en principe non pénale). Les programmes d'intervention psychosociale précoce doivent en effet conduire à juguler les *facteurs de risques* auxquels sont exposés les mineurs, facteurs de risques de nature à augmenter, en d'autres termes, la probabilité qu'ils adoptent à l'avenir un comportement criminel persistant. Dans le cadre d'une stratégie bien plus positive, les recherches contemporaines orientent également les interventions psychosociales précoces vers la consolidation *des facteurs de protection* qui contribuent à réduire, corrélativement, la probabilité qu'un enfant adopte à l'avenir un comportement criminel persistant.

مقدمه

«اجرای برنامه‌های تحمیلی را نسبت به جوانان متوقف کنیم، و به جای آن، برای ساختن زندگی آنها، امکانات لازم را در اختیار آنان قرار دهیم».^۱ این پیشنهاد آقای پی‌ار آمادیو یو برای بحث ما مناسب است، با این تفاوت خاص که اقدامهای روان‌شناختی - اجتماعی زودرس که دارای ماهیت پیشگیری از خطرات بروز رفتارهای مجرمانه هستند، شامل اطفال و حتی نوجوانان بسیار کم سن و سال و نیز مکانهای (محل‌های) جامعه‌پذیری آنان (مانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان) می‌شود.

این نوع پیشگیری زودرس از رفتارهای مجرمانه که در امریکای شمالی (ایالات متحده امریکا و کانادا) از آغاز سالهای ۱۹۶۰ میلادی تجربه شده و در اروپا اخیراً موضوع بحث و مورد استفاده قرار گرفته است، امروزه موضوع مطالعات سنجشی علمی واقع می‌شود. مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس [نسبت به اطفال] مبتنی بر وجود عوامل خطر است که می‌توان آنها را مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی تعریف کرد که بروز و استمرار رفتارهای مجرمانه آینده را در کودکان و نوجوانان مساعد می‌کنند. عوامل خطر که از کودکی فعال‌اند و با تحقیقات علمی وجود آنها اثبات شده است را می‌توان با اجرای برنامه‌های مناسب و با رعایت بعضی شرایط اساسی که متعاقباً مطرح خواهد شد، کاهش داد. موضوع مداخله و اقدام روان‌شناختی - اجتماعی زودرس بسیار اساسی است، زیرا هر اندازه که در معرض خطر قرار گرفتن فرد زودتر اتفاق افتد و اشکال آن متعددتر

۱. عنوان مقاله‌ای است از آقای پی‌ار آمادیو (Pierre Amadieu) که در شماره یک سال ۱۹۹۷ نشریه *Sauvegarde de l'enfance* در صفحات ۵۰ تا ۵۵ به چاپ رسیده است.

و مدت آن طولانی‌تر باشد، به همان میزان احتمال وارد و درگیر شدن و استمرار فرد در رفتارهای مجرمانه شدید بیشتر خواهد شد. دلیل دیگر فایده اقدام روان‌شناختی - اجتماعی زودرس، ملاحظه کارایی بسیار نسبی و حتی ناکافی اقدام‌ها یا عملیات پیشگیری از نوع کلاسیک - یعنی پیشگیری اجتماعی در معنای وسیع کلمه، پیشگیری وضعی و به‌ویژه پیشگیری کیفی - است. دایره شمول اقدام (مداخله) روان‌شناختی - اجتماعی زودرس طبیعتاً شامل بزهدیدگان بالقوه مصون از بزهدیدگی یا بزهدیدگان بالقوه آسیب‌پذیر می‌شود، زیرا آنها نیز اغلب از بی‌ثبات‌ترین محیط‌ها هستند، که در آنها جابه‌جایی نقش‌ها [در بزهدکاری] بین بزهدیده و بزهدکار و برعکس بسیار متداول است.

همه کشورها از فقر شدید رنج می‌برند: یک انسان از هر سه انسان در جهان با کمتر از دوازده فرانک (حدود ۱۳۰۰ تومان) در روز زندگی می‌کند؛ در دنیا هشتصد میلیون نفر از سوء تغذیه رنج می‌برند؛ ۱۲ درصد از خانواده‌های اروپایی زیر آستانه فقر زندگی می‌کنند. در کشور فرانسه، از هر ده خانوار، یک خانوار - یعنی ۱۵ درصد افراد - زیر آستانه فقر قرار دارند؛^۲ عجیب‌تر آن که دوازده میلیون نفر به‌طور کامل یا نسبی با درآمدهایی زندگی می‌کنند که نهادهای حمایت اجتماعی منبع مالی آنها را تأمین و تضمین می‌نمایند. به عبارت دیگر، گزارشهای رسمی تأکید می‌کنند که بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از اطفال و نوجوانان که از این محیط‌های

۲. آستانه فقر مادی برای یک فرد تنها، ۲۸۰۰ فرانک در ماه در فرانسه تعیین شده است. رک.

Conseil d'Analyse Economique, Pauvreté et exclusion, La Documentation Française, 1998, 139 pages; Duquesne, Quelle protection des enfants face aux dangers liés à leur pauvreté In J.D.J., 1999-181, p. 28 et s.

آسیب‌پذیر هستند، در معرض خطر قرار دارند. یعنی «در مدرسه موفق نمی‌شوند به سطح مطلوب دست‌یابند، اغلب ترک تحصیل می‌کنند و به همین جهت موفق به یکپارچه‌سازی [و انطباق] خود با مدلی از مسؤلیت اجتماعی که معمولاً پذیرفته می‌شود - به‌ویژه در خصوص آنچه به کار و زندگی بزرگسال مربوط می‌شود - نمی‌گردند».^۳ شکست فرایند جذب و یکپارچه شدن اجتماعی به‌ویژه حول مسائل مربوط به سلامتی، اختلالات روان‌شناختی و مصرف مواد مخدر متبلور می‌شود که جعلگی شاخص‌های مشکلات مربوط به هستی (بودن) فرد است.^۴ در نتیجه، بزهکاری ناشی از بی‌ثباتی یا حتی بزهکاری برای بقا، به اندازه وسعت روزافزون شکاف اجتماعی، گسترش می‌یابد. سیمای بزهکاری اطفال این موضوع را تأیید می‌کند: ۱- فعالیت‌های مجرمانه مبنی بر تملک (اموال)، ۲- مطالبات و تقاضاهای وسیعاً مجرمانه، ۳- ارتکاب اعمال مجرمانه فوق‌العاده شدید علیه اشخاص یا علیه اموال.^۵ به نظر می‌رسد رویه و برخورد کنونی مراجع قضایی [در معنای وسیع کلمه] نسبت به این پدیده بین برخورد بازپرورانه و برخورد کیفری در نوسان و دودل باشد؛ این امر در واقع بیانگر سردرگمی و استیصال کسانی [قضاتی] است که مرتکبین این اعمال را زمانی محاکمه می‌کنند، که مداخله‌کنندگان قبلی (خانواده، مدرسه و دیگر نهادهای مدنی ذی‌سهم در جامعه‌پذیر کردن اطفال) در اقدام خود نسبت به آنها شکست

۳. رک. اطفال در معرض خطر، مرکز ویژه تحقیقات و نوآوری در آموزش، انتشارات D.C.D.E. ۱۹۹۵، ۱۵۹ ص.

4. Choquet (M.) and al. Adolescents (14-21 ans), de la protection judiciaire de la jeunesse, Ministère de la justice, 1998, 146 pages.

5. Cario (R.), Jeunes délinquants. A la recherche de la socialisation perdue, Ed. L'Harmattan, 2^e éd. 1999, p. 45 et s.

خورده‌اند. دقیقاً قبل از رسیدن به مرحله اقدام قضایی است که کمبودها و نارسایی‌ها در فرایند جامعه‌پذیری اطفال ظاهر می‌شوند و باید (یا می‌بایست) مورد توجه قرار گیرند (یا می‌گرفتند).^۶

چنین بستر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شورای اروپا را ترغیب کرد تا در پایان ۱۹۹۶ کمیته‌ای مرکب از کارشناسان را مأمور تنظیم و تدوین توصیه‌نامه‌ای راجع به «نقش (تأثیر) اقدام و مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه» نماید. این توصیه‌نامه در ۱۹ ماده در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۰ به تصویب کمیته وزیران دولت‌های عضو شورای اروپا رسید (رک. پیوست).

جهت‌گیری رویکردی که اقدام روان‌شناختی - اجتماعی زودرس را در اولویت قرار می‌دهد باید به وضوح شناسایی شود. در چارچوب این اقدام و مداخله، صحبت بر سر پیشگیری از جرم نیست. زیرا ارباب کیفری، کاهش شدت و تعداد جرایم ارتكابی در قلمرو دیگری قرار می‌گیرد. آنچه در اینجا مدنظر است، در واقع بین پیشگیری اجتماعی اولیه (بهبود عمومی رفاه اجتماعی) و پیشگیری اجتماعی ثالث (حل و فصل یک اختلاف که از نظر ماهیت اصولاً غیر کیفری است)^۷ قرار می‌گیرد. اقدام روان‌شناختی -

۶. این کمبودها در کسانی که مرتکب عمل مجرمانه شده‌اند، آشکار شده است.

۷. در این مورد رک.

Cario (R.), Pour une approche globale et intégrée du phénomène criminel. Introduction aux sciences criminelles, Ed. L'Harmattan, 2^e éd. 1997, p. 102 et s.

در مورد انواع پیشگیری، رک. نجفی ابرندآبادی (ع.ح.)، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۶ - ۲۵، سال ۱۳۷۸، ص ۱۲۹ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی (ع.ح.)، بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی - قضایی دادگستری، شماره ۲۲، سال ۱۳۷۶، ص ۴۳ و بعد. م.

اجتماعی زودرس در واقع باید، همچون پیشگیری اجتماعی ثانویه، به پیشگیری از رفتارهای مجرمانه پایدار (مُزمن) منجر شود، یعنی تا آنجا که ممکن است، این اقدام قبل از بروز و در آستانه اختلاف‌های بالقوه‌ای معمول شود که احتمال می‌رود از طریق ارتکاب جرم حل و فصل شوند. به عبارت دقیق‌تر، اقدام‌ها و مداخله‌های معمول باید جلوی عوامل خطری را که صغار در معرض آن هستند - عوامل خطر احتمالی - بگیرد، یعنی عوامل خطری که ماهیتاً ممکن است احتمال این که صغار در معرض خطر در آینده رفتار مجرمانه مُزمن را اتخاذ کنند، افزایش دهند. در چارچوب یک استراتژی خیلی سازنده‌تر، تحقیقات معاصر، اقدام‌های روان‌شناختی - اجتماعی زود هنگام را به سمت تقویت و تثبیت عوامل حمایتی نیز هدایت می‌کنند که به کاهش احتمال پذیرش و اتخاذ رفتار مجرمانه مُزمن نزد اطفال کمک می‌نماید.

اعمال اقدام روان‌شناختی - اجتماعی زودرس به جهت یک سلسله دلایل فلسفی، اخلاقی و حرفه‌ای مورد انتقاد قرار گرفته است. این دلایل مربوط می‌شوند به: ۱- خود تصور و پندار از موجود انسانی (که از سنی دارای عقل ... می‌شود)؛ ۲- خود تعریف ارزشهای اساسی مبنای توازن و تفاهم اجتماعی؛ ۳- تقبیح و انگ‌زنی (... زود هنگام‌تر) انسان‌هایی که موضوع این اقدامها واقع می‌شوند، و به‌طور منطقی از بی‌ثباتی وضعیت خود رنج می‌برند؛ ۴- ادعای مبنی بر این که الزام‌های مزبور در جهت مصلحت

* پیشگیری زودرس از رفتارهای مجرمانه در واقع گاه با موازین حقوق بشر در تعارض قرار می‌گیرد، بدین معنی که در خلوت افراد مداخله کرده و بدین ترتیب بیم نوعی تقبیح اجتماعی برای اطفال مشمول برنامه پیشگیری زودرس و نیز خانواده‌هایشان می‌رود. به همین جهت کیفیت آموزش و پرورش جرم‌شناسان و به‌طور کلی مربیان مسؤول اعمال این گونه اقدام‌ها - به‌ویژه از نظر رعایت کرامت انسانی و

افراد ذی‌نفع به آنها تحمیل و تکلیف می‌شود؛ ۵- جامعه‌پذیر کردن ضمنی این افراد؛ ۶- خود کارکرد اجتماعی (رسالت) اقدام و مداخله روان‌شناختی - اجتماعی در قبال ناقضین احتمالی آن.^۸

ولی نتایج تحقیقات مربوط به پیشگیری زودرس باید [ما را] به سوی واقع‌بینی و خوش‌بینی ترغیب کند. امروزه اقدام‌های چندی در زمینه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری در دست اجرا است، در صورتی که نتایج سنجش و ارزیابی آنها - آن هم تازه وقتی انجام می‌شود - آسفبار است.^۹ مسأله این نیست که از این موضوع، دلیلی برای توسعه باز هم بیشتر دامنه و تور کنترل اجتماعی (که سوراخهای آن همین حالا هم به اندازه کافی تنگ است) علیه آسیب‌پذیرترین افراد جامعه استخراج کنیم. اما در عین حال سنجیده نیست برنامه‌هایی را به اجرا نگذاریم که فایده اجتماعی آن، از نظر کارآمدی و اثرگذاری، به وسیله پژوهش‌های سنجشی علمی ثابت شده است.

اخیراً، بنا به تقاضای مجلس سنای امریکا که می‌خواست استفاده مطلوب از بودجه عمومی برآورد شود، سنجش (ارزیابی) وسیعی از

حرمت خانوادگی افراد - از اهمیت بالایی برخوردار است. در مورد حرفه جرم‌شناس ر.ک. نجفی ابرندآبادی (ع.ح.)، جرم‌شناس: صاحب یک تخصص علمی یا صاحب یک کار حرفه‌ای؟، مجله کانون و کلاء، شماره ۷ - ۵ سال ۱۳۷۱، ص ۴۱۳ و بعد. م.
۸ در این مورد به‌ویژه ر.ک.

Gatti (V.), Ethical issues raised when early intervention is used to prevent crime, In *European Journal on criminal policy and research*, 1998-6, pp. 113-132.

۹ در این خصوص به‌ویژه ر.ک.

Lazerges (Ch.), Balduyck (J. - P.), Réponses à la délinquance des mineurs, Rapport au Premier Ministre, La Documentation Française, 1998, 447 p.; Cario (R.), *Jeunes délinquants*, op. cit., pp. 216 et s.

برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری در این کشور به اجرا درآمد. وزارت دادگستری آمریکا هر ساله مبلغی حدود ۲۴ میلیارد فرانک برابر با حدود چهار میلیارد دلار به اقدام‌های پیشگیری اختصاص می‌دهد. در این جهت، گروه پژوهشی پروفیسور لورانس شیرمن در دانشگاه مری‌لند، بیش از ۵۰۰ برنامه پیشگیری از جرم را - در معنای وسیع رفتارهای مجرمانه و اعمال مجرمانه - ارزیابی کرده است: از این تعداد ۱۸ فقره برنامه پیشگیری پیشرفت داشته است (یعنی یک برنامه از سی برنامه!)، ۲۲ فقره پیشرفتی نداشته و مؤثر نبوده است، ۳۱ برنامه امیدوارکننده بوده است، سایر برنامه‌ها (یعنی ۸۵٪ از کل برنامه‌ها) غیرقابل سنجش بودند.^{۱۰} برنامه‌های ارزیابی‌کننده علمی مشابهی در کانادا و انگلستان نیز اجرا شده است.^{۱۱} نتایجی که در نوشتار حاضر ارائه می‌شود از کارآمدترین برنامه‌های پیشگیری استخراج شده است. غنای ارزیابی‌های موجود، با ارائه و بیان خلاصه‌وار نتایج آن‌ها تضعیف می‌شود. بنابراین بهتر است به منبع آن، یعنی به گزارش خود پروفیسور شیرمن که از این پس در پایگاه اینترنتی "preventingcrime.org"^{۱۲} موجود است مراجعه شود.

10. Sherman (L.W.) and al., Preventing crime: what works, what doesn't, what is promising? U.S. Department of Justice, multigraph., 1997, 502 p.

11. McCord (J.) and all (Editors), Preventing antisocial behavior, intervention from birth through adolescence, the Guilford Press. 1992; Greenwood (P.W.) and all, Diverting children from a life of crime. Measuring costs and benefits, Rand Ed. Criminal Justice, 1996; Reducing offending: an assessment of research evidence on way of dealing with offending behavior. Publication Home Office, Research Study 187, 1998.

۱۲. همچنین رک.

Cario (R.), Jeunes délinquants, op. cit., pp. 210-249.

برای این که به اصل موضوع پردازیم، طرح دو پرسش ممکن است پیشگیری زودرس از رفتارهای مجرمانه را در کشور ما (فرانسه) به سطح مطلوب ارتقاء دهد؛ مُراد ما از عوامل خطر یا عوامل حمایتی چیست؟ (الف)، اقدام‌های روان‌شناختی - اجتماعی که «کار» می‌کند یعنی «مؤثر» واقع می‌شود کدامند؟ (ب)

الف - عوامل خطر و عوامل حمایتی

تحقیقات علمی موجود که تعداد آنها رو به افزایش است، در وهله اول عوامل خطری را شناسایی کرده‌اند که پیدایش، استقرار و تثبیت رفتارهای مجرمانه و مُزمن را در آینده هموار می‌کنند (۱). اخیراً در ادامه تحقیقات پیشین، به حق بر عوامل حمایتی تأکید شده است که، برعکس، تمایل فرد به وارد شدن یا باقی ماندن در رفتارهای مجرمانه مُزمن را کاهش می‌دهد (۲).

۱- عوامل خطر، را که می‌توان به بیان بهتر، مشکلات جامعه‌پذیری نامید، ممکن است از مکانهای اصلی جامعه‌پذیر شدن فرد (خانواده، مدرسه، گروه‌های همسالان، محیط محلی) یا از خصوصیات شخصی افراد مورد نظر ناشی شوند، که عموماً به دنبال شکست و یا ضعف‌های موجود در این محیط‌های زندگی، تحصیل و تفریح به وجود آمده است.

محیط خانوادگی اجتناب‌ناپذیر (یا خانواده اصلی) ممکن است دارای خطرات با ماهیت متعددی باشد: سطح ضعیف سواد و دانش والدین، نمودهای اقتدار ضعیف (والدین)، فقر اقتصادی، بی‌ثباتی یا فقدان فعالیت حرفه‌ای، وابستگی شدید به کمک‌های اجتماعی، مصرف مواد مسموم‌کننده

مختلف (مواد مخدر، الکسل، داروهای روان‌گردان، حلال‌ها)، ضعف و نقص‌های روان‌شناختی و حتی روان‌پزشکانه، خشونت بدنی، جنسی و عاطفی، تک‌والدینی بودن کانون خانوادگی، عدم تفاهم خانوادگی، از هم پاشیدگی ازدواج و زندگی زناشویی، فقدان نظارت و کنترل، فقدان الزام و اجبار انضباطی، ترک خانواده، بزهکاری والدین و برادران و خواهران، اعزام و نگهداری در نهاد و مؤسسه دولتی ...

محیط مدرسه ممکن است مسائل مختلفی را [در مورد اطفال] آشکار نماید: شکست تحصیلی، مردود شدن‌های مکرر، غیبت مکرر، رفتارهای اخلاص‌گر و آشوب‌گر، تخریب و ویران‌گری، خشونت، اخراج دائمی، توجه صرف [مربیان] به آموزش و پرورش دانش آموزان نخبه، خودداری و تردید [مربیان] در وارد کردن دانش آموزان در امور مدرسه، عدم دسترسی [دانش آموزان] به آموزگاران، عدم اجرای انضباطی [فقدان انضباط]، شلوغ بودن کلاسهای ...

گروه همسالان نیز ممکن است خصومت‌ها و مخالفت‌های اجتماعی مختلفی ایجاد کند: رفت و آمد با جوانان حاشیه‌گرا و حاشیه نشین از نظر اجتماعی که، دشمن جامعه بوده و گاه حتی بزهکار هستند، وابستگی به یک فرقه، ترجیح فعالیت‌های تفریحی و گذراندن اوقات فراغت بدون نظارت و در مکانهای نامتعارف ...

محیط اجتماعی - فرهنگی طفل نیز ممکن است منبع رفتارهای خاص باشد: گدایی، فرار، غیبت از کانون خانواده، پرسه زدن [در خیابانها]، اعزام و نگهداری در نهاد و مؤسسه دولتی، فقدان اوقات فراغت، خشونت‌های تلویزیونی، حاشیه‌ای شدن فرهنگی شدید ناشی از واقع شدن

مسکن طفل در یک منطقه یا محله بی‌بضاعت که ندارترین افراد را یکسره در داخل خود جمع کرده است ...

خصوصیات شخصی مختلفی نیز ممکن است ماهیتاً جامعه‌پذیری فرد ذی‌نفع را دچار اختلال کند: جنسیت مذکر، سن، داشتن مشکل در برقراری رابطه با دیگران، فقدان نشانه‌های نَسَبی (رگ و ریشه‌های خانوادگی) هویت و سامان‌بخش، ارتباط شفاهی پایین‌تر از حد متوسط با دیگران، تکانش (غیرارادی بودن)، کنترل ضعیف خود، گزاف‌کوشی*، میل به ریسک کردن، کاوش (ورود) خطرناک و زودرس در بطن و عین زندگی، فعالیت جنسی و بارداری زودرس، مصرف مواد مخدر، الکل، داروهای روان‌گردان، حلال‌ها ...، دردهای جسمانی، خودزنی، افسردگی و شروع به خودکشی، انحرافات رفتاری (از همه نوع) و بزهکاری زودرس، داشتن مسأله سلامتی جسمانی یا روانی، تعلق به یک اقلیت، مهاجرت طفل در سن بسیار پایین، انجام بازی‌های شرط‌بندی و قمار، روسپیگری،^{۱۳} ...

۲- عوامل حمایتی، که صرفاً عکس یا روی دیگر عوامل خطر نیستند، در همین مکانهای جامعه‌پذیر کردن متجلی می‌شوند. لیکن، این عوامل مقاومت افراد را در مقابل پذیرش و پیشه کردن رفتارهای مجرمانه آینده تقویت می‌کنند: فرزند ارشد خانواده بودن، فعال و عاطفی بودن در دوران کودکی، متعلق به یک خانواده کم جمعیت بودن، برخوردار از عاطفه و مهر واقعی والدین نسبت به اطفال، دارا بودن مادری سلامت، فعال

*. Hyperactivité. فزونکاری

۱۳. درخصوص این جنبه‌های مختلف رک.

Farrington (D.P.), In Oxford Handbook of criminology (M. Maguire, Edit), Clarendon Press, 1996.

بودن حرفه‌ای یکی از والدین، توجه و علاقه مستمر والدین، تربیت در پرتو اصول روشن و ضمانت اجراهای منسجم که هرگونه اقتدارگرایی را کنار می‌گذارد، حمایت از سوی فرد بزرگسالی که کودک به وی وابستگی ویژه‌ای دارد (برادر، خواهر، آموزگار، دوست)، قوه و توانایی‌های شناختی و اجتماعی، پیرامون (محیط) مدرسه‌ای - تحصیلی که دارای آن‌چنان قدرت یکپارچه‌کنندگی و سازگارسازی باشد که به همه موقعیت و بخت موفقیت بدهد، اهمیت دادن به ارزشها و رویه‌های مساعد به حال جامعه ... این عوامل، با کاستن از آسیب‌پذیری طفل، به وی کمک می‌کنند تا با اختلال‌ها و دگرگونی‌های مختلف که در این محیط‌های گوناگون زندگی ممکن است با آنها روبرو شود، خود را به‌طور سازنده منطبق نماید. به عبارت دیگر، عوامل مزبور، قدرت سازگاری و مقاومت او، یعنی «قابلیت و ظرفیت او را در موفق شدن به زندگی کردن و توسعه خود به‌طور مثبت - چندان که از نظر اجتماعی قابل قبول باشد -، علی‌رغم اضطراب یا ناملایمتی که معمولاً خطر شدید یک سرانجام و نتیجه منفی دربر دارد، تحریک و ترغیب می‌کنند».^{۱۴}

تصریح یک نکته مهم ضروری می‌نماید: هیچ‌گونه رابطه علت و معلولی جبری نمی‌تواند بین عوامل خطر و رفتارهای مجرمانه وجود داشته باشد. برعکس، وضعیت کنونی تحقیقات، دشواری تفکیک صریح علت از معلول را در این قلمروهای انسانی پیچیده نشان می‌دهد. در این جهت، در میان اطفالی که در معرض عوامل مختلف خطر هستند، بعضی‌ها هرگز تمایلات مجرمانه پیدا نخواهند کرد. برعکس، در معرض عوامل خطر قرار

14. Cyrulnik (B), Un merveilleux malheur, Ed. O. Jacob, 1999, p. 10.

نگرفتن، رفتارهای مجرمانه آینده را منتفی نمی‌کند. آنچه تحقیقات نشان می‌دهد، تعامل و تقویت متقابل عوامل متعدد خطر، همان‌طور که روتر* نوشته است، می‌باشد: «احتمال تحمل آثار وخیم برای کودکانی که از یک عامل خطر رنج می‌برند به همان میزان آثار برای اطفالی است که در معرض هیچ عامل خطری قرار نمی‌گیرند. در عوض، اگر دو یا چند عامل خطر وجود داشته باشد، احتمال نتایج نامطلوب چهار برابر بیشتر است. با چهار عامل خطر، این احتمال ده‌برابر می‌شود».^{۱۵} با توجه به ملاحظات احتیاطی که بدین سان مطرح شد، حال باید به برنامه‌های پیشگیری زودرس پرداخت.

ب - سنجش برنامه‌های پیشگیری زودرس

براساس ارزیابی‌های علمی کیفیت‌داری که در دسترس است، می‌توان از این پس تا درجه‌ای از اطمینان، اقدام‌های مؤثر و کارا را از اقدام‌های ناکارا، یا به عبارت دیگر، آنچه - به‌عنوان برنامه‌های پیشگیری - «کار می‌کند» و مؤثر واقع می‌شود را (۱) از آنچه «کار نمی‌کند» و تأثیری ندارد (۲) همراه با برآورد قابل اعتماد نسبت هزینه (بها) و تأثیر (کارایی - نتیجه)، تفکیک کرد.

*. M. Rutter.

15. EVANS (P.), Les enfants et adolescents à risque, in Les enfants à risque, op. cit.,

اوانس، درستی ملاحظات و نظریات روتر را در صفحه ۲۰ کتاب خود تأیید می‌کند.

۱- برنامه‌های دارای پیشرفت و تأثیر

در میان برنامه‌هایی که در سطح خانواده به اجرا گذاشته شده است، به‌ویژه سه نوع مداخله و اقدام روان‌شناختی اجتماعی زودرس نویدبخش است: ملاقات‌های خانگی، وقتی طفل در سن پایین است، برنامه‌های تربیتی در مرحله آمادگی (پیش از مدرسه)، آموزش والدین.

در ملاقات‌های خانگی، وقتی طفل در سن پایین است، از افراد حرفه‌ای آموزش‌دیده و انگیزه‌دار (پرستاران، مددکاران اجتماعی، جرم‌شناسان) استفاده می‌کنند و والدین اطفال جوان را حمایت، کمک و گاه آموزش می‌دهند. بدین‌سان بود که برنامه توسعه خانواده‌گی موسوم به سیراکوز مشورت‌های پیش و پس از زایمان، حمایت از زنان از طریق ملاقات‌های خانگی و خدمات نگهداری رایگان به‌منظور گسترش استعداد‌های شناختی و فکری اطفال ۶ ماه تا ۵ ساله را ارائه می‌داد. برآورد اطفال تحت این برنامه در سن ۱۵ سالگی، نشان داد که تنها ۶٪ از گروه تحت آزمایش برنامه سیراکوز، در مقابل ۲۲٪ از گروه شاهد [یعنی گروهی که اعضای آن تحت برنامه سیراکوز قرار نداشتند]، به جهت جرایم معمولاً خفیف‌تر محکوم شدند.

برنامه‌ای با همین گستردگی که به‌وسیله دانشگاه رُوچستر* به اجرا گذاشته شد نیز منجر به کاهش ۷۹٪ از بدرفتاری گردید که اطفال می‌توانستند قربانی آن واقع شوند. آثار این برنامه طولانی نیز هست زیرا برآورد نتایج آن در پانزده سال بعد نشان می‌دهد که در میان مادران متعلق

* Rochester.

به گروه مورد آزمایش، دستگیری‌ها ۶۹٪ کمتر است و مسائل مرتبط با سوءاستفاده از مواد مخدر و سمی حتی کمتر از نصف شده است.^{۱۶}

برنامه آمادگی (پیش‌مدرسه‌ای) پری* - که به‌وسیله وای‌کارت** و گروه پژوهشی او در ۱۹۶۰ در ایپسیلانتی*** واقع در میشیگان اجرا شد - یک برنامه تربیتی برای مرحله پیش از مدرسه را به ملاقات‌های خانگی افزود. این برنامه که مورد ستایش همه ناظران قرار گرفته است، در چارچوب تربیتی نظری و عملی مبتنی بر رشد طبیعی و پویای طفل جوان قرار داده شده بود. دقیق‌تر این که در برنامه مزبور، اعتقاد بر این بسود که فراگیری اطفال در فعالیت‌هایی که خود درباره آنها تصمیم می‌گیرند، آنها را اجرا می‌کنند و مورد انتقاد قرار می‌دهند، در آنها وارد می‌شوند و شرکت می‌کنند، بهتر است. نقش بزرگسالان، مشاهده و بررسی، حمایت کردن و نیز پیشبرد فعالیت‌های اطفال در مسیرهای مختلف است: از طریق تجهیز زمینه‌های مورد علاقه اطفال در محیط یادگیری، با حفظ جریان روزانه امور که به اطفال اجازه تجسم، برنامه‌ریزی، انجام و برآورد فعالیت‌هایشان را بدهد، با شرکت در فعالیت‌هایشان از طریق طرح پرسشهای مناسب برای تحکیم و تثبیت طرح‌هایشان و کمک به آنها در تأمل راجع به فعالیت‌هایشان. بزرگسالان، با استفاده از مجموعه تجربه‌های کلیدی که از نظریه‌های راجع به رشد طفل به‌دست آمده است، کودکان را ترغیب به

16. Graham (J.), op. cit., - 1998, p. 13.

گراهام در این نوشتار مطالعات olds و دیگران را در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۷ خلاصه کرده است.

*. Perry.

** . D. Weikart.

***. Ypsilanti.

وارد شدن در فعالیت‌های تفریحی - سرگرم‌کننده‌ای (بازی‌های مختلفی) می‌کنند که آنها را وادار به انتخاب کردن و حل مسائل بکند. و به هر حال، به رشد فکری، اجتماعی و جسمانی آنها کمک کند.^{۱۷}

برنامه ویژه دوره آمادگی (پیش مدرسه‌ای) شامل اطفال سه و چهار ساله می‌شد که به مدت دو سال تحصیلی سی هفته‌ای (از وسط ماه اکتبر تا وسط ماه مه) به اجرا گذاشته شد. آموزگاران هر روز صبح (از دوشنبه تا آدینه)، یک کلاس دو ساعت و نیمه تشکیل می‌دادند و ملاقات هفته‌گی یک ساعت و نیمه‌ای نیز در خانه مادر هر کودک مشمول برنامه، به منظور وارد کردن او در برنامه از طریق فراهم کردن یک پشتوانه و کمک تربیتی برای اطفال، ترتیب می‌دادند (این اقدام در برنامه، اساسی به نظر می‌رسد). در جریان این ملاقات، آموزگار در حل و فصل مسائلی که پیش می‌آید، به مادر کمک می‌کند.

فرض اصلی مبنای این برنامه پیش مدرسه‌ای - که در دست اجرا است و در خارج نیز قویاً از آن استقبال شده است^{۱۸} - مبتنی بر این اندیشه است که یک برنامه خوب پیش مدرسه‌ای ممکن است به اطفال متعلق به محیط‌های فقیر کمک کند تا مرحله گذار (عبور) از محیط خانه‌شان به محیط بیرون (جامعه) را بهتر انجام دهند و اکثر آنها را در راه‌هایی قرار

۱۷. همچین رک.

Montagne (H.), En finir avec l'échec à l'école. L'enfant: ses compétences et ses rythmes, Ed. Bayard, 1996, 308 p.

۱۸. در پایان ۱۹۹۲، این برنامه در یازده کشور در دست اجرا بوده و بیش از ۱۱۰۰ مربی توسط بنیادهای اسکوپ مورد تأیید قرار گرفته بودند.

Schweinhart (L. J.), Barnes (H.V.), Weikart (D.P.), Significant benefits. The High/Scope Perry preschool Study Through Age 26, The High/Scope Press, Michigan, 1993, op. cit., p. 36.

دهد که به آنها اجازه می‌دهد تا از نظر اقتصادی، بزرگسالانی مستقل و از نظر اجتماعی مسؤول بشوند.

منافع این برنامه‌های ناظر به مرحله پیش مدرسه‌ای، غیر قابل انکار است.^{۱۹} ارزیابی و برآورد منظم یک گروه اطفال مشمول برنامه پیش مدرسه‌ای پری نکات مهمی را آشکار می‌سازد. در این جهت، ۱۲۳ آمریکایی افریقایی تبار (مرکب از نمونه گیری اتفاقی از دو گروه اولیه) از سه دهه پیش دنبال می‌شدند. این رویکرد طولی^{۲۰*} از طریق دورنمای افتراقی تحقیق باز هم غنی‌تر شد، زیرا ابتدائاً دو گروه تشکیل شدند. یکی (مشکل از ۵۸ عضو شامل ۳۳ پسر و ۲۵ دختر) برنامه را دنبال کرد و دیگری (مرکب از ۶۵ عضو شامل ۲۶ دختر و ۳۹ پسر) برعکس مشمول این برنامه قرار داده نشد. نتایج بدست آمده از برآورد برنامه - وقتی این پسران و دختران به سن ۲۷ سالگی رسیده بودند^{۲۱} - رویهمرفته شگفت‌انگیز است: گروهی که از برنامه استفاده کردند - در سطوح مختلف و بدون تفاوت‌های عمده برحسب نوع و جنس - به‌طور قابل توجهی تا چهار برابر،

۱۹. رک. برنامه‌های مختلف معرفی و ارزیابی شده، منبع پیشین، صص ۱۸ - ۱۱۰ همچنین رک. J. Combes، برنامه‌های راجع به کودکی، در کتاب اطفال در معرض خطر، همان منبع، صص ۸۳ - ۵۵ در این صفحات برنامه‌های Head Start (در آمریکا)، آموزش و پرورش‌های بهتر، آینده‌های بهتر (در آنتاریو - کانادا)، مشارکت در طرح آموزش و پرورش (در اسکاتلند)، مناطق آموزش و پرورش اولویت‌دار (در فرانسه)، ... معرفی شده‌اند.

*. Approche longitudinale.

20. Farrington, the need for longitudinal-experimental research on offending and antisocial behavior, In McCard and Tremblay (Eds), Preventing antisocial behavior, op. cit., pp. 353-376.

۲۱. در گذشته، برآورد و سنجش‌های سالیانه‌ای از ۳ تا ۱۱ سالگی، از ۱۴ تا ۱۵ سالگی و تا ۱۹ سالگی انجام شده بود. رک.

Schweinhart (L.J.) and al., op. cit., p. XV, 174 et s.

از نظر اجتماعی یکپارچه شده بودند. بدین‌سان، درآمد ماهیانه ۲۹٪ آنها برابر یا بیشتر از ۱۰,۰۰۰ فرانک بود، حال آن‌که در گروهی که این برنامه را دنبال نکردند (یعنی گروه شاهد)، ۷٪ از اعضاء درآمدها به این مبلغ می‌رسید؛ ۳۶٪ از گروه اول مالک خانه خود هستند درحالی‌که این رقم در گروه دوم (گروه شاهد) ۱۳٪ است؛ ۳۰٪ از گروه اول و تنها ۱۳٪ از گروه دوم مالک خودرو می‌باشند؛ سطح تحصیلی ۷۱٪ از گروه اول و تنها ۵۴٪ از گروه دوم برابر یا بیشتر از کلاس ۱۲ است (12th grade) (این رقم در خانمها به ترتیب گروه، ۸۴٪ و ۳۵٪ بود). در همین چارچوب، ۵۹٪ از گروه اول در مقابل ۸۰٪ از اعضای گروه دوم، در طول ده سال گذشته، متوسل به کمکهای اجتماعی مقطعی شدند؛ اعضای گروه اول کمتر از اعضای گروه دوم دستگیر شده‌اند (به ترتیب ۷٪ و ۳۵٪، در زمینه مواد مخدر به ترتیب ۷٪ و ۲۵٪)؛ اعضای گروه اول زمان کمتری را در برنامه‌های ویژه سلامت روانی طی کرده‌اند (۱۵٪ در گروه نخست و ۳۴٪ در گروه دوم برای مدت یکسال یا بیشتر، در مورد خانمها رقم به ترتیب ۸٪ و ۳۷٪ بوده است)^{۲۲} ...

و بالاخره نکته مهم آن‌که دست‌اندرکاران برنامه پیش‌مدرسه‌ای پری* منافع مالی حاصل از اجرای برنامه را نیز تحلیل کرده‌اند.^{۲۳} اگرچه تعیین مبلغ آن دشوار است، اما هزینه‌هایی در زمینه مراقبت و حمایت اجتماعی از اطفال و خانواده آنها، هزینه‌هایی مربوط به قلمروهای تأخیر و

22. Ibid., p. XV et s., 3 et s.

*. Perry Preschool Program.

23. Ibid., p. 145 et s.

شکست تحصیلی (در تمام مراحل نظام آموزشی)، اشتغال و درآمدهای جنبی، بزهکاری و خلافکاری، مددکاری اجتماعی ... صرفه‌جویی شد؛ به این صرفه‌جویی‌ها باید میزان رنج و عذابی که بدین‌سان به بزه‌دیدگان بالقوه وارد نشد را نیز افزود. براساس محاسبات دقیقی که دست‌اندرکاران انجام داده‌اند، به ازاء یک فرانک سرمایه‌گذاری در برنامه، در نهایت سودی بیش از هفت فرانک بدست آمده است.^{۲۴}

این برنامه، یک الگوی مداخله و اقدام روان‌شناختی - اجتماعی زودرس است، زیرا اغلب محاسن را در خود دارد: از رفتارهای خطرناک واقعاً پیشگیری می‌کند، محور آن، مشارکت پویای اطفال (و جوانان) ذی‌نفع (یعنی شرکت‌کننده در برنامه) است که به عنوان بانیان رشد خود در برنامه عمل می‌کنند، در واقعیت‌های محیط خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرند، مسائلی که حول آموزش مسؤلیت (مسؤلیت‌پذیری) باید با آن روبرو شوند را یکجا جمع می‌کند، زمینه بیان و به زبان‌آوری مسائل و اختلاف‌ها و فراتر از آن، زمینه نمادی کردن عاطفه‌ها را مساعد می‌کند و بالاخره به‌طور بسیار ملموس نتایج آن در زمان قابل ارزیابی است، و مورد سنجش نیز قرار گرفته است.*

سایر برنامه‌ها به خانواده‌های بحرانی اختصاص داده شده است که هدفشان: ۱- کمک به والدین در فراگیری و کسب رفتار و سلوک پدرا نه - مادرا نه مسؤول نسبت به فرزندانشان از طریق مراقبت، حمایت و آموزش است، ۲- استقرار مقام و اقتدار والدین، دادن امکان به آنها در تعیین

24. p. XVIII et p. 168; Combes (J.), op. cit., p. 80.

*. Symbolisation des affects.

محدوده‌های رفتاری برای ابراز مخالفت، انحراف و حتی بزهکاری فرزندان‌شان، در چارچوب انضباطی که دارای شدت و حتی خشونت کمتری باشد،^{۲۵} آموزش دریافت و استفاده بهتر از کمک‌های نهادهای عمومی یا مردمی احتمالی که ممکن است ماهیتاً آنها را در زندگی زناشویی و وظیفه والدینی‌شان حمایت کند.^{۲۶}

هدف برنامه‌های به اجرا گذاشته شده در مدرسه - به‌عنوان مکان دوم جامعه‌پذیری اطفال بعد از خانواده - بالا بردن آموخته‌های تحصیلی ضعیف دانش‌آموزان، دادن امکان حل و فصل رفتارهای مسأله‌دار (اختلاف‌ها) یا رفتار ضد اجتماعی^{۲۷} خودشان (گراف کوشی، درگیری و کشمکش، غیبت) و تدارک مرحله گذار از مدرسه به زندگی فعال با مشارکت اولیاء و مربیان (مدرسه) یا مستقیماً با حرکت خود اطفال است.^{۲۸}

25. Levenstein (P.), The mother child home program, In I. McCord and all, preventing antisocial behavior, op. cit., pp. 43-66; Tremblay (R. E.) and coll., Parent and child training to prevent early onset of delinquency, Ibid., pp. 117-138; Hawkins (J.D.) and coll., The Settle social development project: effects of the first four years on protective factors and problem behavior, Ibid., pp. 139-161.

۲۶. درمورد برنامه‌های Home start و Newpin رک.

Utting (D.), Reducing criminality among young people: a sample of relevant programmes in the United Kingdom, op. cit., pp. 15-19, 29-30.

۲۷. درمورد تجربه‌هایی که در مدرسه ابتدایی انجام شده است رک.

Charlebois (P.) et all, La prévention des comportements anti-sociaux chez les garçons agressifs à l'école primaire: un programme de recherche longitudinal, In Problèmes de la jeunesse, marginalité et délinquance juvéniles, interventions sociales au milieu des années 1980, Pub. C.R.I.V., Vol. 2, pp. 327-340.

28. Utting (D), op. cit., p. 35 et s.

برنامه‌های خاصی، شامل فعالیت‌های ورزشی یا اوقات فراغت اطفال می‌شود که معذک کارایی آنها به قرار دادن برنامه‌های مزبور در یک برنامه روان‌شناختی اجتماعی کلی‌تر (که زندگی خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی اطفال را نیز لحاظ کند) و نیز به مدت متوسط آنها بستگی دارد.^{۲۹} چند برنامه بر روابط اطفال با همسالان* خود، به‌منظور کمک به آنها در مقاومت کردن در برابر تمناها و تحریک‌های مختلف مبنی بر مخالفت با جامعه یا مصرف مواد سمی به‌ویژه (الکل، مواد مخدر)، تأثیر می‌گذارد.^{۳۰} نتایج ارزیابی‌های انجام شده از برنامه‌های مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس - چه از نظر پرسنل و چه از نظر مالی - عموماً مثبت است:^{۳۱} کاهش موارد بزهکاری رویهمرفته در دراز مدت که مباشرانشان ارتکاب آنها را پذیرفته‌اند، کاهش چشمگیر رفتارهای ضد اجتماعی، بهبود مراقبت‌های معمول توسط والدین نسبت به اطفال.

به چهار شرط چنین مداخلات و اقدام‌هایی یعنی ۱- از دوره ابتدایی (مدرسه) و حتی از دوره آمادگی اعمال شود، ۲- حداقل یک سال طول بکشد، ۳- همزمان شامل طفل و اطرافیان وی (والدین، آموزگاران، همسالان) شود و ۴- به‌وسیله افرادی (پرسنلی) که آموزش دیده هستند (یعنی دارا بودن آموزش چند رشته‌ای، سنخیت و زمینه کاری با اطفال^{۳۲} و

29. Utting (D), op. cit., p. 55 et s.

*. Pairs.

30. Farrington (D.P.), op. cit., pp. 562-563.

31. Welsh (B.), Costs and benefits of primary prevention: a review of the literature, op. cit., 46 p.

۳۲. در این مورد اساسی رک.

Le Blanc (M.) et al. Intervenir autrement. Un modèle différentiel pour les adolescents en difficulté, Les Presses de l'Université de Montréal, 1998, p. 3 et s.

قابلیت کار مشارکتی در گروهی که خود چند رشته‌ای است) باید به اجرا گذاشته شود. وقتی اقدام‌های روان‌شناختی - اجتماعی معمول نسبت به آن دسته از اطفالی که بیم بروز رفتارهای مجرمانه بالقوه از سوی آنها وجود دارد، یک محیط عاطفی، تربیتی، دقیق و باثبات و منسجم را هموار می‌کنند، این اطفال نسبت به اطفالی که مشمول اقدام‌های فوق‌قرار داده نشده‌اند، در برابر «وسوسه» گذار از اندیشه به عمل مجرمانه بهتر مقاومت می‌نمایند. این قبیل اطفال نسبت به بیماریهای روان‌تنی، افسردگی، انحطاط اجتماعی ناشی از محرومیت‌های متعدد و تحقیرکننده‌ای که در طول زندگی خود باید متحمل شوند باز هم بهتر مقاومت می‌کنند. به‌طور کلی، این برنامه‌ها ماهیتاً متمایل به بهبود «قابلیت و توانایی فردی و گروهی این اطفال و نوجوانان در ابتکار عمل، اقدام و مقاومت در مقابل ستم، به‌منظور رهایی از سرنوشت اجتماعی تحت سلطه‌شان» است.^{۳۳} خواننده مطلع متوجه خواهد شد که منابع غالب این برنامه‌ها، از نظر منطقی، مطالعات مبنایی اصولاً فرارشته‌ای است که تاکنون در مورد جامعه‌پذیری طفل انجام شده است.^{۳۴}

می‌توان در قبال این برنامه‌های مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس رویهمرفته خوش‌بین بود ... لیکن این خوش‌بینی باید معقول باشد؛ زیرا برنامه‌های در دست انجام دیگری وجود دارند که مؤثر واقع نشده‌اند یا از نظر علمی غیرقابل ارزیابی‌اند.

33. Le Penne (Y.), Education Spécialisée: de la domination à l'autonomie, In Journal du droit des jeunes, 1997/164, pp. 17-24.

34. در این خصوص رک. به سنتز ارائه شده در:

Cario (R.), Jeunes délinquants ... op. cit., p. 182 et s.

۲- برنامه‌های غیر مؤثر

بدین‌سان و به‌طور مختصر می‌توان گفت، برنامه‌هایی که فقط یک اقدام را به اجرا می‌گذارند محکوم به شکست هستند؛ برای این که پیشگیری زودرس کارا و مؤثر واقع شود، باید شامل یک تعداد اقدام‌های مکمل هم باشد که همه عوامل خطر را هدف خود قرار دهند، لیکن از طریق استراتژی‌ای که بیشتر متوجه مکانهای جامعه‌پذیر شدن طفل (مانند خانواده، مدرسه، گروه همسالان، محله) باشد تا حول مراحل، ادوار، فرایندهای رشد طفل (کودکی تا ۶ سال)، بین کودکی و نوجوانی (۱۱-۶ سال)، نوجوانی (۱۷-۱۲ سال). همچنین برای این که برنامه‌ها مؤثر باشند باید تغییرات عمقی را در رفتار اطفال مورد نظر، هدف خود قرار دهند و نه صرفاً تغییر در طرز برخورد، ارزشها یا شناختها که بیشتر جنبه ظاهری دارد. در همین زمینه، اندرزه‌های پیشگیرانه ساده، تنبیهات بدنی، اخراج موقت از مدرسه، فعالیت‌های اطلاع‌رسانی، هدایت فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت یا استراحت (تفریحی)، سرمشق و الگو دادن از طریق ارباب و فراخوانی اطفال به توجه به وجدان و عقل، نیز کاملاً بیهوده است. برنامه‌هایی که پلیس را در پیشگیری زودرس مشارکت می‌دهند و در سطح وسیع‌تر، برنامه‌های مربوط به پیشگیری وضعی نیز بی‌فایده و حتی مضراند. برنامه‌های سرکوبگر دولت تنبیه‌گر^{۳۵} در امریکا، که به کیفر به‌عنوان سزا توجه می‌کند و نه به‌عنوان اصلاح، نیز بنابر برآوردهای جدی، محکوم به شکست و تخریب اطفال هستند.

* L'Etat-Pénitence. دولت سزادهنده

35. Wacquant (Loic), Les Prisons de la misère, Raisons d'Agir Editions, 1999, 191 p.

نتیجه‌گیری

در فرانسه، برنامه‌هایی تا این اندازه نویدبخش در زمینه پیشگیری زودرس از رفتارهای مجرمانه به احتمال زیاد وجود ندارد. البته اقدام‌هایی مشابه با آنچه در صفحات قبل ذکر شد در فرانسه - صرف‌نظر از این که مؤثر واقع می‌شوند یا نه - نیز یافت می‌شود. در این مورد به عنوان مثال می‌توان به برنامه موسوم به «طفل در مهد کودک و والدین او»،^{۳۶} به استقرار «پرسنل والدین‌شناسی»^{*} در زایشگاه‌های ده مؤسسه بیمارستانی مهم پاریس،^{۳۷} یا به بعضی برنامه‌های معمول در مناطق آموزشی اولویت‌دار** که در آنها روابط اطفال / والدین / نهادها صراحتاً تدارک، تنظیم، حمایت و دنبال می‌شوند،^{۳۸} اشاره کرد. کیفیت واقعی این برنامه‌ها از طریق مذاکره، قراردادی کردن، مشارکت، کلی کردن رویکرد، محلی و همجوار بودن اقدام‌ها (مداخله‌ها) و ... شناخته می‌شوند.

مسئله این است که اغلب اقدام‌ها به‌طور علمی (به‌ویژه از نظر مدت و گروه شاهد) ارزیابی نشده‌اند. گاه بدتر از این، سنجش‌های به‌عمل آمده

36. L'enfant en pouponnière et ses parents, ..., publication du Ministère de l'emploi et de la solidarité, 1997, 284 p.

*. Staff de parentologie=

کارکنان مسؤول آشناکردن پدران و مادران به رسالت والدینی خود در قبال فرزندان.

37. Le monde, sjuin 1998, 11.

** . Zones d'éducation prioritaires.

۳۸. رک. بویژه گسترش امر به‌عهده گرفتن تربیت اطفال از سن دو سالگی و تأسیس شبکه‌های تربیتی اولویت‌دار در اطراف مناطق تربیتی دارای اولویت، در بخشنامه ۹۷۲۳۳ مورخ ۱۳۱ اکتبر ۱۹۹۷، درمورد خشونت در محیط مدرسه رک. بخشنامه ۱۹۹۸ راجع به مبارزه با خشونت در محیط مدرسه و تقویت سیاست مشارکتی در روزنامه رسمی جمهوری فرانسه ۱۱ نوامبر ۱۹۹۸؛ در قلمرو فعالیت‌های ورزشی رک. ماشل آین، پیشگیری از رفتارهای مجرمانه در نوجوانی، تجربه منطقه‌ای چاپ شده در:

Rey (C.) (dir), Les adolescents face à la violence, Ed. Syros, 1996, pp. 317-325.

درمورد اقدام‌های کلی پیشگیری، چند عیب بسزرگ و تکراری را نشان می‌دهند: جدا بودن اقدام‌ها نسبت به یکدیگر، افزودن برنامه‌ها به یکدیگر و حتی فراوانی برنامه‌ها، سنگینی محتوای بعضی برنامه‌ها، پراکندگی جغرافیایی امکانات، آموزش ناکافی اقدام‌کنندگان و دست‌اندرکاران برنامه‌ها، گروه‌های عمدتاً تک‌رشته‌ای.^{۳۹} دو پیامد مهم قابل ذکر است: هزینه‌های سنگین و کنترل نشده و نتایج نه چندان قابل توجه از برنامه‌ها.

بدین‌سان چرا باید امری بدیهی را نپذیرفت: با یک سیاست پیشگیری منسجم‌تر و اصولاً زودهنگام، کاهش خطرات بروز رفتارهای مجرمانه و افزایش عوامل حمایتی واقعاً در دسترس ما هستند. بنابراین ارزیابی‌های پیش‌گفته در ایالات متحده آمریکا (و با در نظر گرفتن این موضوع که همه تجربه‌ها و برنامه‌های سنجیده شده، عیناً قابل انتقال و استفاده در اروپا نیستند)، «در میان‌مدت شاهد کاهش ۵۰ تا ۷۰٪ خشونت در یک جامعه معین خواهیم بود».^{۴۰} پروفیسور شیرمن باز هم تأکید می‌کند که تعمیم برنامه‌های مربوط به ملاقات‌های خانگی جلوی بیش از نیم میلیون جنایت شدید در آمریکا را خواهد گرفت.

بنابراین ضروری است که برای تعمیم برنامه‌های «ظاهراً» امیدوارکننده، این برنامه‌ها از نظر علمی مورد سنجش قرار گیرند. چرا انجام

۳۹. درخصوص این ارزیابی‌ها، رک. به‌عنوان نمونه به:

Lazerges (Ch.), De la politique de prévention de la délinquance à la politique de la ville, In 49^e cour international de criminologie, Leuven, 1994, p. 34 et s.; Wyvekens, L'insertion locale de la justice pénale. Aux origines de la justice de proximité, Ed. L'Harmattan, 1997, 364 p.; Chaline (C.), Les politiques de la ville, PUF, 1997, 40.

۴۰. Tremblay (R.E), Comprendre et favoriser le développement de l'enfant, In R.I.C.P.T, 1998-2, p. 134.

چنین ارزیابی‌هایی را با اختصاص دادن اجباری ۲ تا ۳٪ از بودجه این برنامه‌ها به چنین سنجش‌هایی، تسهیل نکنیم؟

همچنین مهم به نظر می‌رسد که برای برنامه‌هایی که مؤثر واقع نمی‌شوند یا بازدهی آنها مورد تردید است، دیگر سرمایه‌گذاری نشود. چرا باید به تمرکز سرمایه‌گذاری‌های بهداشتی و اجتماعی این قدر گسترده برای بهبود رفاه افراد در آخر زندگی‌شان که مستقیماً به کیفیت جامعه‌پذیری آنان بستگی دارد، ادامه داد؟ «دولت دقیقاً برعکس منطق اقتصادی عمل می‌کند: هرچه قدر ممکن است سرمایه‌گذاری آورده (درآمد) بیشتری داشته باشد، کمتر سرمایه‌گذاری می‌کند؛ هرچه قدر سرمایه‌گذاری ممکن است در آمد کمتری داشته باشد، بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کند.»^{۴۱} بدین ترتیب، توزیع کمکها و امکانات موجود به‌طور اجتناب‌ناپذیری، ضروری می‌نماید.

همان‌طور که ترامبلی پیشنهاد می‌کند، «وقتی هدف تأمین شکوفایی، قابلیت‌های خوشبخت بودن و خوشبخت کردن برای موجودهای انسانی است»، آیا «تغییر دادن دنیا» این قدر مشکل است؟^{۴۲} برای ختم این نوشتار، اجازه می‌خواهم یک نکته را متذکر شوم: فرانسه از نظر بچه به آن اندازه مستغنی نیست که به خود اجازه دهد، این تعداد از آنها را از نظر اجتماعی قربانی کند. بنابراین هر یک از ما در جای خود، باید برای این که، به قول پُل ریگور،^{۴۳} هر طفل یک شخص «دارای دل‌نگرانی برای خود،

41. Tremblay (R.E), in R.I.C.P.T op. cit., p. 138.

42. L'enfant en pouponnière et ses parents, op. cit., p. 242.

۴۳. این پیش از شخص در سراسر کتاب «خود، همچون یک فرد دیگر» بسط داده شده است: Ricoeur (P.), Soi-même comme un autre, Ed. Le Seuil, 1990, 428 p.

دل‌نگرانی برای دیگری و دل‌نگرانی برای نهاد عادلانه و درست باشد»،
اقدام کنیم*.



*. ناگفته پیداست که اقدام‌ها و برنامه‌های پیشگیری زودهنگام از رفتارهای جنایی، برای این‌که اثر محسوس بر کاهش آمار بزهکاری یک جامعه معین داشته باشد، باید قابل تسری و اعمال، در سطح وسیعی، نسبت به کلیه اطفال، نوجوانان، والدین، مربیان، ... و محله‌هایی باشد که گرفتار عوامل خطر و یا مواجه به کمرنگ شدن عوامل حمایتی هستند. در این صورت دو ایراد عمده به این نوع پیشگیری می‌توان وارد کرد: از یک‌سو، شناسایی این قبیل اطفال، خانواده‌ها، محله‌ها ... و تهیه برنامه مناسب آنها و آزمایش کردن این برنامه در سطح کوچک، قبل از تعمیم آن به کلیه موارد، نیاز به زمان طولانی دارد. ضمن این‌که در بعضی روشهای طولی پیشگیرانه، اقدام‌های روان‌شناختی - اجتماعی باید طی مدت‌های زیادی و در دوره‌های مختلف رشد افراد ذی‌نفع نسبت به آنها اعمال شود. از سوی دیگر، برای اجرای اقدام‌ها و برنامه‌های مربوط به پیشگیری زودرس از بزهکاری مُزمن و مکرر - که بدین ترتیب ناظر به آینده اطفال و نوجوانان «مشکل‌دار کنونی» است - باید دست به تربیت مربیان، جرم‌شناسان، روان‌شناسان، متخصصان علوم تربیتی ... (یعنی پرسنل تربیتی آموزش دیده) زد، که این امر نیز به نوبه خود نیاز به زمان و در عین حال بودجه زیاد دارد. بدین ترتیب، عملیاتی - اجرایی کردن این نوع پیشگیری در سطح کلان - مثلاً در سطح یک استان یا در سطح یک کشور - نیاز به زمان، امکانات مادی و نیروی آموزش‌دیده زیاد دارد. م.

توصیه‌نامه ۲۰ (۲۰۰۰) Rec کمیته وزیران دولت‌های عضو شورای اروپا
 راجع به «نقش اقدام (مداخله) روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در
 پیشگیری از رفتارهای مجرمانه (جنایی)»،^{۴۴} مصوب ۶ اکتبر ۲۰۰۰

I - تعاریف

در توصیه نامه حاضر:

- «پیشگیری از رفتارهای مجرمانه» به مجموعه اقدام‌ها و فعالیت‌هایی اختصاص دارد که هدفشان کاهش احتمال وارد شدن [فرد] در کردارهای مجرمانه پایدار آینده است، [درست] برعکس پیشگیری از جرم که به کاهش تعداد و شدت جرایم ارتكابی مربوط می‌شود،

- «عوامل خطر» به خصایص فردی و شرایط (اوضاع و احوال) اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی، جمعیت‌شناختی یا سایر شرایطی اشاره دارند که احتمال وارد و درگیر شدن [فرد] را در رفتارهای مجرمانه پایدار آینده افزایش می‌دهند،

- مُراد از «اطفال در معرض خطر»، اشخاص کمتر از هیجده سال است که در معرض عوامل متعدد خطر قرار دارند،

- «مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس»، شامل همه اقدام‌ها یا فعالیت‌هایی می‌شود که هدفشان میسر ساختن امکان شناسایی اطفال در معرض خطر و کاهش احتمال درگیر و وارد شدن آنها در رفتارهای جنایی پایدار آینده است،

44. Le rôle de l'intervention psychosociale précoce dans la prévention des comportements criminels/the Role of early psychosocial intervention in the prevention of criminality.

- «عوامل حمایتی» به بعضی عوامل جامعه‌شناختی - اقتصادی و فرهنگی یا ویژگی‌های فردی اشاره دارد که ماهیت آنها به گونه‌ای است که طفل را در مقابل احتمال وارد یا درگیر شدن در رفتارهای جنایی مستمر آینده، حمایت می‌کنند،

- «مسئولیت‌های والدینی» به مجموعه وظایف و اقتدارهایی اشاره دارد که هدفشان تضمین رفاه و آسایش عاطفی، اخلاقی و مادی طفل، به‌ویژه از طریق مواظبت از شخص طفل و حفظ روابط شخصی با او، با تضمین آموزش و پرورش، نگهداری، نمایندگی قانونی و اداره اموال او است،

- «دارندگان (صاحبان) مسئولیت‌های والدینی» شامل مادران و پدران، سایر اشخاص یا نهادهای صالح برای اعمال تمام یا بخشی از مسئولیت‌های والدینی می‌شوند.

II - برنامه‌های مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه

۱- برنامه‌های مداخله روان‌شناختی - اجتماعی مختص پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، باید طوری تنظیم و تدوین شوند که به بهترین صورت پاسخگویی مصالح و منافع اطفال، خانواده‌ها و جامعه بوده، و با قوانین موجود نیز مطابق باشند. این برنامه‌ها به‌ویژه باید مراقب احترام به زندگی خصوصی و تمامیت اخلاقی اطفال و خانواده‌های آنان باشند، و به‌دقت اصول تناسب، عدم انگ‌زدن و نشان‌دار کردن و عدم تبعیض را مورد توجه قرار دهند.

۲- این برنامه‌ها باید مجموعه‌ای از اقدام‌ها را شامل شود که هدفشان دربرگرفتن بیشترین تعداد ممکن عوامل خطر در قلمروهای عمده زندگی طفل - مانند خانواده، مدرسه (حتی مهد کودک)، گروه همسالان و محیط (پیرامون) محلی - در عین تلاش برای پیشبرد عوامل حمایتی، باشد. برنامه‌های مزبور باید اقدام‌هایی را دربرگیرد که هدفشان کمک به خانواده و تقویت آن، مساعد کردن زمینه یکپارچگی (جذب) تحصیلی طفل، ترغیب رفتارهای مسؤولانه و همنوا با جامعه، توسعه یک چارچوب متشخص زندگی، از طریق بیشترین امنیت و بیشترین انسجام است.

۳- اقدام‌هایی که متوجه عوامل خطر است باید به عوامل زیر توجه خاصی نماید:

- مشکلات در کسب شناخته‌های [مختلف]، گزاف‌کوشی* / تکانشی بودن**،

- خشونت متحمل، سهل‌انگاری، جدایی والدین و اعزام به نهاد نگهداری مراقبتی یا مددکاری،

- خشونت، غیبت‌های مکرر از مدرسه، اخراج از مدرسه، شکست تحصیلی و محیط تحصیلی نامساعد،

- تبعیض نژادی، بیکاری والدین و محرومیت‌های دراز مدت،

*. Hyperactivité.

** Impulsivité.

- رفت و آمد با همسالانی که از هنجار اجتماعی فاصله می‌گیرند، آمد و شد با فرقه‌های [مختلف] و سوءاستفاده از مواد مخدر (حتی توسط والدین)، روسپیگری اطفال، گدایی و ولگردی،

۴- اقدام‌هایی که متوجه پیشبرد عوامل حمایتی هستند باید به‌ویژه عوامل زیر را ترغیب کنند:

- صلاحیت‌های اجتماعی و شناختی، ارزش‌ها و رفتارها و برخوردهای مساعد نسبت به جامعه و توانایی مواجهه با آن،

- وابستگی عمیق به والدین و برادران و خواهران، زندگی خانوادگی تنظیم شده با اصول و ضمانت اجراهای روشن، منسجم و عاری از اقتدارگرایی،

- محیط تحصیلی جاذب و یکپارچه کننده و مراقب که به همه اطفال بخت موفقیت بدهد،

- وابستگی عمیق به همسالان و بزرگسالان معاشرتی و مردم‌آمیز خارج از محیط خانوادگی،

- وابستگی به جامعه محلی.

۵- همه مداخله‌ها، تا آن‌جا که ممکن است، باید بر اقدام‌هایی تکیه کند که کارایی‌شان از نظر علمی ثابت شده باشد، ضمن این‌که برای نوآوری نیز باید جایی گذاشته شود،

۶- باید مراقبت کرد تا مداخله و اقدام زودرس به منظور پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، از منابع کافی برخوردار شود.

III - اطفال در معرض خطر [ارتکاب جرم]

۷- برای شناسایی اطفال در معرض خطر، نهادهای ملی، منطقه‌ای (استانی) و محلی باید ساختارها و روشهای مناسب - از جمله برای جمع‌آوری و ارائه اطلاعات مقتضی - ایجاد کنند و گسترش دهند، ضمن این‌که از رعایت قواعد و اصول حقوقی قابل اعمال در زمینه حفاظت از اطلاعات شخصی [مربوط به اطفال یا خانواده‌هایشان] نیز اطمینان حاصل می‌کنند.

۸- تمام امکاناتی که هدفشان شناسایی و به‌عهده گرفتن [سرنوشت] اطفال در معرض خطر است باید در جهت منافع و مصالح آنها با رعایت حقوق دارندگان [صاحبان] مسؤولیت والدینی، به اجرا گذاشته شود،

۹- امکانات مزبور باید حقوق اساسی اطفال، مانند تمامیت جسمانی و روانی آنان یا خلوت و زندگی خصوصی آنان را، رعایت کند. این اصل استثناء‌پذیر نیست، مگر این‌که مستقیماً به نفع کودک باشد و قانون آن را مجاز شمرده باشد.

۱۰- والدین و / یا دارندگان مسئولیت‌های والدینی اطفال در معرض خطر باید در کوتاه‌ترین مدت مطلع شوند، مگر آن که این امر به وضوح مغایر با مصالح طفل باشد.

IV- اجرا

۱۱- مناسب است تدابیر تقنینی یا اقدام‌های دیگری اتخاذ شوند که طیف وسیعی از برنامه‌های مداخله زودرس برای پیشگیری از رفتارهای مجرمانه را پیش‌بینی می‌کنند.

۱۲- یک گروه بین‌وزارتی یا یک مرجع رسمی / عمومی بین‌رشته‌ای دیگر باید مسئول فعال کردن و نظارت بر توسعه یک استراتژی مداخله زودرس بشود. این گروه، این مرجع یا این نهاد (عامل) باید نمایندگان انجمن‌ها (تشکل‌ها) و بخشهای خصوصی و همین‌طور نمایندگان وزارت‌خانه‌های صالح و نیز مشارکتهای محلی را دربرگیرند. همچنین وظیفه این گروه / این مرجع / این نهاد (عامل) است که قواعد را تعیین و وضع کند و روشهای عملی مطلوب را نیز تعیین و توزیع نماید.

۱۳- در اجرای برنامه‌های مداخله زودرس، مناسب است اصول زیر

دنبال شود:

- کارایی: مداخله‌ها، به‌ویژه با اقدام به‌موقع و با انطباق سطح و میزان منابع تدارک‌دیده شده با شدت خطرات مورد نظر، به اهداف تعیین شده می‌رسند،

- مداخله حداقل: مداخله‌ها متناسب بوده و تا آنجا که ممکن است محدودکننده و الزام‌آور نباشد،

- تناسب: مداخله‌ها در اندازه و در حد خطر باشد،

- عدم انگ زدن - نشان کردن: مداخله‌ها نباید مایه شرم (ننگ)

اطفال، خانواده‌ها یا گروه‌ها و جوامع محلی مربوط و نیز موجب مقصر و گناهکار قلمداد کردن آنها شوند،

- عدم تبعیض: مداخله و اقدام‌ها بدون تفکیک براساس جنسیت،

نژاد، رنگ، زبان، مذهب، افکار عمومی یا هر فکر و هر عقیده دیگری، خاستگاه ملی یا اجتماعی، تعلق به یک اقلیت ملی، ثروت، تولد یا هر موقعیت دیگر، صورت می‌گیرند،

۱۴- برنامه‌ها باید در چارچوب مشارکتهای محلی و مشخص کردن

صریح مسئول آن، تنظیم، هماهنگ و اجرا شود. این برنامه‌ها باید مسئولان حمایت اجتماعی، سلامت، بهداشت و آموزش و پرورش اطفال را وارد و درگیر برنامه‌های مزبور کنند. وقتی این امر مناسب به نظر رسید، مسئولان (مداخله‌کنندگان) مزبور با همکاری نزدیک با سایر مراجع صالح مانند نهادهای حمایت از جوانان، پلیس یا انجمن‌ها، تشکلهای و بخشهای خصوصی، اقدام خواهند کرد،

۱۵- مشارکتهای باید ساختارها و روشهای مناسبی را فراهم کند که

تضمین یک تصمیم‌گیری مؤثر، تخصیص امکانات، برآورد و تعیین

اولویت‌ها و اجرای برنامه‌ها، را میسر نماید. در مورد نکته اخیر تلاش خواهد شد تا:

- با اعضاء جوامع (گروه‌های) محلی، اطفال و خانواده‌هایشان درباره ماهیت مسأله و راه‌حلهای بالقوه مشورت شود و آنها در این خصوص حساس شوند،

- از خدمات موجود، حتی با اختصاص دوباره منابع موجود، استفاده شود و وقتی کمبودهایی در عرضه منابع ملاحظه شد، امکانات جدیدی فراهم و تدارک دیده شود،

- یک طرح (پلان) اقدام، حتی المقدور، مبتنی بر شناخت علمی رویکردهایی که کارایی آنها ثابت شده است، تهیه و تنظیم شود،

- اهداف واقع‌بینانه‌ای تعیین شود،

- تحول و برآورد پیشرفت‌های به عمل آمده دنبال شود، و

- نتایج، براساس معیارهای مناسب و نسبت هزینه (بها) - کارایی (تأثیر) ارزیابی و برآورد گردد.

۱۶- استراتژی‌های مداخله زودرس باید تدابیری را دربرگیرند که اختصاصاً بر آموزش اولیه و مستمر کسانی متمرکز باشد که در هماهنگ‌سازی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها شرکت می‌کنند.

۱۷- مشارکت خانواده‌ها در برنامه‌ها باید براساس داوطلبانه یا قراردادی سازمان‌دهی شود. مشارکت اجباری تنها زمانی باید معمول شود که دارندگان (صاحبان) مسؤولیتهای والدینی از انجام مسؤولیتهای خود

سرباز زند و مشروط بر این که این امر (یعنی مشارکت اجباری) مطابق با مقررات قانونی لازم‌الاتباع - به استثناء مقررات حقوق جزا - باشد.

۷- اولویت‌ها در قلمرو پژوهش

۱۸- برای توسعه مبنای شناختهای کنونی درباره ماهیت رفتارهای مجرمانه و پیشگیری از آنها، باید منابع مالی به طرح‌های پژوهشی خاص راجع به موضوعهای زیر اختصاص داده شود:

- ماهیت و وسعت رفتارهای مجرمانه،

- عوامل خطر و عوامل حمایتی مرتبط با ظهور رفتارهای مجرمانه، و

- برآورد (سنجش) علمی نسبت هزینه (بودجه) - کارایی (تأثیر و

نتیجه) مداخله‌ها و اقدام‌های معمول به منظور پیشگیری از رفتارهای

مجرمانه، از جمله ارزیابی فرایندهای اجرا و ناهماهنگی اقدام‌ها (مداخله‌ها)

بین نهادهای ذی‌ربط، در فاصله‌های زمانی منظم.

۱۹- به منظور پیشبرد تبادل اطلاعات و شناخت‌ها درباره عللی که

زمینه گسترش رفتارهای مجرمانه را مساعد می‌کنند یا مانع توسعه این

رفتارها می‌شوند و برای برخورداری تصمیم‌گیران از اطلاعات و

شناخت‌های مزبور، باید روشهایی به منظور بهبود بخشیدن به همکاری ملی

و بین‌المللی - چه در جامعه علمی و چه بین این جامعه و مسؤولان تنظیم و

اجرای برنامه‌های پیشگیری - ایجاد گردد و توسعه داده شود.